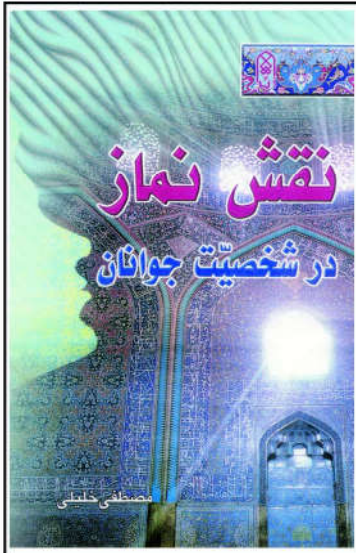


مهمان سفره الهی باشیم



زهره دهخدا

به بهانه معرفی کتاب «نقش نماز در شخصیت جوانان»

نویسنده: مصطفی خلیلی

ناشر: انتشارات زائر

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۷۹

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

می‌شود با این خدای مهربان

درد و غم‌ها را به‌طور ساده گفت

پنج نوبت در حضور این عزیز

حرف دل را گوشه سجاده گفت

«نماز»، تسلی بخش دل‌های مضطرب و

خسته و مایه صفای باطن و روشنی روان است.

«نماز»، حضوری‌ترین بزم گفتگوی «انسان»

با «خداوند» در تجلی‌گاه حضور است.

«نماز»، تنها محبوب دلدادگان به حضرت حق

و روشنی دیده و چراغ راه پویندگان کوی اوست.

«نماز» محفل انس خلوت‌نشینان وادی عرفان

است؛ آنان که زندگی را بی‌یاد او نمی‌خواهند و

رستگاری خویش را با شهادت در محراب نماز

می‌بینند که: «فزت و رب الکعبه». جوان با روح

ظریف و با قداست، احساسات پاک و با لطافت و

با عواطف زلال و قلب پاک خود، می‌تواند در نماز

پله‌های کمال را طی کند و به قلمرو جمال راه

یابد.

نویسنده محترم کتاب «نقش نماز در

شخصیت جوانان» به منظور انتشار تعالیم دینی و

ترویج فرهنگ نماز بین قشر جوان به گردآوری

مجموعه مذکور همت گماشته است.

ایشان کوشیده است تا فرهنگ نماز و انس با

خداوند متعال را در جامعه دینی ترویج کند و

رایحه دلپذیر معنویت را به فضای جان همگان به

خصوص نسل جوان برساند.

کتاب حاضر به کوشش ایشان، در نه فصل

با عناوین «نقش نماز در شخصیت جوانان»،

«علل کم‌توجهی یا بی‌توجهی برخی از جوانان به

نماز»، «فلسفه نماز»، «اهمیت و آثار نماز در

اسلام»، «عذاب تاریکین نماز»، «موانع کمال

نماز»، «نماز در ادیان»، «پیام نماز عاشورا» و

«تجلی نماز در سیره بزرگان» تهیه و تنظیم شده

است.

نویسنده در بخش‌های مختلف کتاب سعی

داشته است تا با بالابردن سطح دانش و معرفت

نسل جوان، او را به سوی تکامل انسانی، اهداف

متعالی و حلقه اتصال معبود سوق دهد تا جوان به

پرستشی آگاهانه و از روی صدق و اخلاص

بپردازد و عشقی سرشار از آگاهی و شایسته ذات

ملکوتی را در خود پیرواند.

در بخشی از کتاب نیز مؤلف توجه جوانان را

به حقیقت و روح نماز معطوف می‌دارد و حضور

قلب در نماز را از معانی باطنیه و مفاهیم کامل

نماز بیان می‌کند. در نهایت نیز از جوانان

می‌خواهد که نماز را با خلوص نیت و حضور قلب

به جا آورند، تا نماز آنان را از عالم ملک به

ملکوت پرواز دهد که «الصلاه معراج المؤمن».

نویسنده پس از این مهم، به فلسفه نماز

می‌پردازد و بیان می‌کند سرشت آدمی با نسیان و

فراموشی عجین است. از این‌رو هر لحظه بیم آن

می‌رود که انسان خود و آفریدگارش را به

فراموشی سپارد و طغیان و سرکشی را پیشه خود

سازد. نماز او را از این حالات باز می‌دارد. لذا انسان هنگام نماز بر آستان قدس ربوبی سر می‌ساید و با تضرع و خشوع و خضوع در پیشگاه او به معبود و مقام محمود متصل می‌گردد.

در قسمتی از کتاب حاضر عوامل بی‌توجهی و کم‌توجهی برخی جوانان به نماز هم‌چون: عدم آگاهی و بینش کافی از فریضه نماز، ضعف اعتقادی، محیط خانواده و بی‌توجهی والدین، سستی و تنبلی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس راه‌کارهایی مناسب جهت رفع هریک از آن عوامل ارائه می‌گردد.

اهمیت نماز و ارزش و جایگاه آن در اسلام، بررسی ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و ... نماز و نقش آن در زندگی جوانان، توجه ادیان و انبیاء مختلف به نماز و دیدگاه و خاطرات عارفان و اندیشمندان در مورد نماز، از بخش‌های پایانی کتاب مذکور می‌باشد.

قسمتی از این کتاب ارزشمند را با شما هم‌راهان آشنا مرور می‌کنیم:

«امروزه بخش عظیمی از جوانان که بهترین و مهم‌ترین قشر جامعه محسوب می‌شوند، از ضعف اعتقادی رنج می‌برند. همیشه خوانده‌اند که خدا و قیامتی هست و مسایل دینی تاحدودی به آن‌ها گفته شده و لیکن به باور و یقین نرسیده‌اند.

این ضعف در منطق موجب می‌گردد که جوان نسبت به مسایل دینی آن اهمیت خاص را قایل نباشد. به همین جهت بسیار دیده می‌شود که بعضی افراد، نماز خواندنشان موسمی و فصلی است. مثلاً در فصل خاصی مثل ماه مبارک رمضان یا ایام ماه محرم و صفر، نمازشان را می‌خوانند و بقیه ماه‌های سال را با نماز وداع می‌گویند. این نیست مگر از ضعف اعتقادی فرد و تا این ضعف جبران نگردد، مشکل فوق قابل حل نخواهد بود.»

با امید آنکه همه جوانان کشورمان با تمسک به نماز، به مقام قرب الهی راه یابند و همواره مهمان سفره الهی باشند و جوانی خویش را با سیره مردان الهی گره زنند، تا انشاءالله در جهان جاودانی در جایگاه صادقان و صالحان منزل گزینند که «طوبی لهم و حسن مآب».

نقش دوست
در سرنوشت انسان

محمد فولادی

در عصر نزول وحی در میان مشرکان دو نفر به نام‌های «عقیبه» و «ابی بن خلف» باهم دوستانی صمیمی بودند. به گونه‌ای که هرگاه یکی از سفر می‌آید، با ترتیب دادن میهمانی از دوست خود پذیرایی می‌کرد. روزی عقیبه از سفر آمد. میهمانی ترتیب داد و اشراف قوم خویش را به این میهمانی فراخواند. هرچند هنوز اسلام نیاورده بود، با این وجود پیامبر اسلام را هم به این میهمانی دعوت کرد. هنگامی که سفره را گستردند و غذاها حاضر شد، پیامبر اکرم(ص) فرمودند: ای عقیبه من از غذای شما نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من دهی! عقیبه شهادتش بر زبان جاری کرد.

این خبر به گوش دوستش ابی رسید. گفت: ای عقیبه از آیین خود منحرف شدی. او گفت: نه به خدا سوگند من منحرف نشدم. اما مردی بر من و میهمانی وارد شد و حاضر نبود از غذایم تناول کند، جز اینکه من شهادتین را بر زبان جاری کنم. من شرم داشتم که کسی از سفره من تناول نکند، لذا شهادتین را گفتم. ابی گفت: من تنها زمانی به دوستی با تو ادامه می‌دهم و از تو راضی می‌شوم که در برابر پیامبر بایستی و او را توهین کنی.

عقیبه به خاطر دوستی، این کار را کرد و مرتد شد و سرانجام نیز او و رفیقش در جنگ بدر در صف کفار به هلاکت رسیدند. قرآن سرگذشت این دو دوست و سرانجام دوستی ناشایست و دوستی حسرت آفرین را چنین بیان می‌کند:

«به خاطر آور روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گیرد و می‌گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم! ای وای بر من کاش فلان (دوست گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق گمراه ساخت. بعد از آن که یاری حق به سراغ من آمده بود.» (فرقان ۲۷ - ۲۹)

در حدیثی از حضرت سلیمان نقل شده است، درباره کسی قضای نکند تا به دوستانش نظر نکند. چرا که انسان به وسیله یاران و رفقایاش شناخته می‌شود.^۱

مولی علی(ع) نیز نقش دوست را در سرنوشت و شناخت افراد چنین زیبا بیان می‌فرماید:

«هرگاه ارزیابی شخصیت و رفتار کسی برای شما مشکل شد و پابندی او را به دین نمی‌دانستید، به دوستانش نظر کنید. اگر دوستان او متمدد به دین بودند، او نیز پیرو دین خداست و اگر نسبت به دین بی‌توجه و بی‌قید بودند، او نیز بهره‌ای از آیین حق ندارد.^۲

و چه زیبا مثنوی مولوی این مفهوم بلند قرآنی را بیان می‌کند:

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
پس به هر دستی نشاید داد دست^۳

بی‌نوشت‌ها:

۱. سفینه‌النجا، ج ۲، ص ۲۷، ماده صدق

۲. بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۹۷

۳. مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۳۱۶

